



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر
موضوع جزئی: ضد - بررسی ثمره عملی - پاسخ سوم به شیخ بهایی (ترتیب) - مصادف با: ۲۹ محرم ۱۴۴۰
احتمال دوم
سال دهم
جلسه: ۱۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم پاسخ سوم به اشکال شیخ بهایی راهی معروف به عنوان ترتیب است. این راه حل ناظر به جایی است که دو ضد وجود داشته باشند و از امر به یک طرف، نهی از ضد استفاده نشود، آن گاه به خاطر مزاحمت امر مهم با امر اهم، امر مهم کنار می‌رود و هنگامی که امر کنار رفت دیگر نمی‌توان این عمل را علی وجه الصحه اتیان کرد، زیرا وقتی امر نباشد قصد امر و قصد امتثال امر امکان ندارد و اگر قصد امتثال امر نباشد، یک رکن مهم عبادت یعنی قصد قربت مفقود است. لذا دیگر به چه وجهی این عمل عبادی را صحیح بدانیم؟

از ابتدا که بحث ثمره را مطرح کردیم گفتیم قائلین به ثمره این مطلب را در خصوص ضد عبادی مثل نماز در برابر ازاله نجاست مطرح کردند. به هر حال برای حل این مشکل قائل به ترتیب از این راه وارد می‌شود که امر به واجب مهم مثل نماز، هم زمان با امر به واجب اهم مثل ازاله موجود است، یعنی هم زمان دو امر موجودند. لکن امر به اهم یعنی «ازل النجاسة عن المسجد» مطلق است و مقید به شرطی نیست. اما «صل» مشروط به یک شرط است و خود این که نماز و امر به نماز مشروط می‌شود باعث می‌شود از امر به واجب اهم تأخر رتبی پیدا کند. پس زماناً این دو امر مقارن هم می‌باشند؛ اما رتبتاً فرق دارند، رتبه امر به اهم مقدم بر رتبه امر به مهم می‌باشد.

عمده در این بحث این است که این شرط چیست؟ امر به نماز مشروط به چه شرطی است؟ دو احتمال این جا وجود دارد: احتمال اول را دیروز بیان کردیم، گفتند احتمال دارد شرط عبارت باشد از عزم و بنای مکلف بر عصیان نسبت به تکلیف به اهم. یعنی کأنه شارع امر به ازاله نجاست از مسجد و هیچ شرطی ندارد، در عین حال امر به نماز هم کرده ولی برای آن شرط قرار داده. یعنی گفته اگر تصمیم گرفتی ازاله را انجام ندهی نماز بخوان. عزم بر عصیان و نافرمانی از امر به اهم، خود این مطلب باعث می‌شود اختلاف رتبه پیدا شود و اگر اختلاف رتبه پیدا شد اشکالی ندارد دو امر هم زمان ولو به ضدین تعلق بگیرند. پس محذوری این جا وجود ندارد.

احتمال دوم

خود عصیان و نافرمانی نسبت به امر به اهم را شرط قرار دهیم.

در احتمال اول عزم بر مخالفت با اهم شرط بود ولی در احتمال دوم خود مخالفت با امر به اهم شرط است. یعنی ازاله که به عنوان واجب اهم واجب است، امرش مطلق و مشروط به شرطی نیست؛ اما نماز که الان مزاحم با ازاله شده است، امرش مشروط است که اگر مکلف خواست با واجب اهم مخالفت کند می تواند نماز بخواند. در احتمال اول عزم، قصد و بنای مخالفت با امر به ازاله شرط است ولی در احتمال دوم خود مخالفت و عصیان نسبت به واجب اهم شرط وجوب نماز است، یعنی کأنه خدا گفته نماز بر شما واجب است به شرط این که ازاله را انجام ندهی. توضیح ذلک:

همه تلاش این است که زمانی که مکلف برای نماز می خواهد بگوید... اکبر، امر به نماز تعلق گرفته باشد و تکلیف ثابت شده باشد. اگر مثلاً مکلف قبل از ظهر بایستد و نماز ظهر بخواند فایده ای ندارد. زیرا هنوز امر به نماز ظهر متوجه او نشده، لذا کار او لغو است. چه زمانی نماز ظهر واجب می شود؟ وقتی که صدای اذان بلند شود و امر متوجه عبد شود. لذا عبد وقتی می گوید... اکبر قصد امری را می کند که با تحقق ظهر متوجه او شده است.

در ما نحن فیه زمانی که مکلف وارد مسجد می شود، اگر به جای ازاله نجاست از مسجد نماز بخواند و بخواهد نماز صحیح باشد باید نسبت به نمازش امری تعلق گرفته باشد چون طبق نظر شیخ بهایی با مزاحمتی که با ازاله پیدا کرده امرش کنار رفته، حال چه امری متوجه او شده تا تکلیفش مصداق امتثال محسوب شود و بگویند: این مکلف امر را امتثال کرد؟ امر کجاست؟ قائل به ترتب می گوید: این امر وجود دارد منتهی مشروط به این است که اگر مکلف با ازاله مخالفت کرد، اگر عصیان نسبت به واجب اهم کرد، این نماز بر مکلف واجب است. عصیان کی محقق می شود؟ عصیان همان لحظه ای که عبد وارد مسجد می شود محقق نمی شود، عصیان خارجی نسبت به ازاله زمانی تحقق پیدا می کند که زمان لازم برای ازاله سپری شود.

فرض کنید ازاله نجاست از مسجد پنج دقیقه وقت لازم دارد. مکلف وارد مسجد شده است، همان اول کار که عصیان تحقق پیدا نکرده است. عصیان وقتی محقق می شود که زمانی که امکان ازاله وجود دارد سپری شود. وقتی مکلف این زمان را پشت سر گذاشت آن وقت می گویند: او ازاله نجاست از مسجد نکرد والا همان اولین زمان ورود به مسجد نمی توانیم بگوییم عصیان کرده است. عصیان وقتی است که زمان امکان امتثال سپری شود و به تکلیف عمل نشود. عصیان نسبت به ازاله چه زمانی محقق می شود؟ زمانی که وقت ازاله نجاست بگذرد. همان اول که مکلف وارد مسجد می شود چشمش به نجاست می افتد ولی در عین حال می ایستد و می گوید... اکبر. آیا آن زمان اول که می خواهد بگوید... اکبر عصیان نسبت به ازاله محقق شده است؟ عصیان چه زمانی محقق می شود؟ زمانی که مدت لازم برای ازاله سپری شود. پس وقتی که مکلف می خواهد بگوید... اکبر، هنوز امر، شرطش محقق نشده است. زیرا طبق احتمال دوم شرط امر، عصیان نسبت به ازاله است و این محتاج زمانی است که سپری شود. پس چطور می شود عصیان به عنوان شرط الان نباشد ولی امر باشد. شما می گویند: الان که مکلف این نماز را می خواهد بخواند امر دارد. زیرا مشروط است. پس شرط آن کجاست؟ اگر عزم و بنا و قصد مخالفت با امر اهم بود، همین الان شرط موجود است زیرا مکلف بنای بر مخالفت دارد ولی اگر شرط خود عصیان شد نه قصد عصیان؛ می گوییم عصیان بعد از سپری شدن زمانی محقق می شود و فی الحال موجود نیست، حال چطور امر فی الحال باشد ولی شرط بعداً محقق شود؟ قائل به ترتب می گوید به نحو شرط متأخر. مثل همه مواردی که شرط متأخر در مشروط متقدم تأثیر می گذارد. مثلاً در بیع فضولی می گوییم شرط صحت بیع این است که مالک ملکش را بفروشد و فروش مال غیر صحیح نیست. حال اگر کسی مال دیگری را فروخت و بعد از مدتی مالک آن بیع را اجازه کرد، این

جا چطور مسئله درست می شود؟ موقع فروش رضایت مالک نبوده اما وقتی بعداً مالک رضایت می دهد آن رضایت و اجازه مالک بیع را نافذ و صحیح می کند. البته ما کاری نداریم که شرط متأخر معقول می باشد یا نمی باشد؟ واقع شده یا نشده؟ زیرا در سال قبل بحثش را کردیم. اما این جا قائل به ترتب می گوید: وقتی مکلف وارد مسجد می شود امر به نماز گریبان او را می گیرد، ولی این امر مشروط به شرط تحقق عصیان نسبت به ازاله است که یک شرط متأخر است. الان امر وجود دارد اما شرطش بعداً محقق می شود، وقتی زمانی که برای ازاله لازم است سپری شد می توانیم بگوییم «عصی الامر بالازاله» نسبت به امر ازاله عصیان کرد. وقتی امر به ازاله عصیان شد، معلوم می شود که نمازی که به محض ورود به مسجد خواند صحیح است. زیرا همه مشکل این بود که این نمازی که خوانده شد به خاطر مزاحمت امر ندارد. قائل به ترتب می گوید: امر دارد منتهی طبق احتمال دوم امرش مشروط به شرطی است که آن شرط متأخر حاصل می شود و وقتی آن شرط حاصل شد، معلوم می شود که آن امر وجود داشته و نماز در وقتی که شروع به خواندن نماز کرده امر داشته است.

به این ترتیب قائل به ترتب می گوید: به هر حال با راه حلی که ارائه دادیم نماز در فرض مزاحمت با ازاله دارای امر می شود. مشکل شما این بود که نماز امر ندارد ولی ما برای شما امر را تصویر کردیم، هم زمان امر به اهم، امر به مهم نیز موجود می باشد. شما می گوید: دو امر به ضدین هم زمان ممکن نیست. ما می گوئیم: بله اگر در عرض هم باشند ممکن نیست، اما اگر در طول هم باشند یعنی رتبه یکی مقدم بر دیگری باشد اشکالی ندارد و این جا امر به ازاله چون امر به اهم محسوب می شود رتبه اش مقدم است بر امر به نماز که واجب مهم محسوب می شود.

این تقدم نیز به این دلیل است که واجب اهم واجب مطلق است و واجب مهم واجب مشروط که این شرط یا عبارت است از عزم بر عصیان نسبت به واجب اهم یعنی ازاله؛ یا عبارت است از خود عصیان نسبت به ازاله به عنوان واجب اهم.

در هر صورت این شرط باعث می شود امر به نماز رتبه اش متأخر از واجب اهم شود. کیفیت تأخر این را هم دیروز توضیح دادیم که چطور واجب مشروط به چنین شرطی، رتبه اش متأخر از واجب مطلق است. زیرا همانطور که در جلسه قبل گفتیم واجب مشروط نسبت به واجب مطلق طولیت پیدا می کند و در طول آن قرار می گیرد. منتهی فرقی این است که این شرط در فرض اول شرط مقارن است و در احتمال دوم شرط متأخر. مهم این است که «صل» و امر به نماز حتی عند المزاحمه گریبان مکلف را گرفته است و موقع نماز خواندن مکلف امر داشته، منتهی این امر طبق احتمال اول شرط مقارن است یعنی همان زمانی که شارع امر کرده مشروط به قصد مخالفت با ازاله نماز بر مکلف واجب است. قصد مخالفت با ازاله و عزم عصیان نسبت به ازاله همان موقع می باشد این قصد کرده که ازاله نکند و نماز بخواند لذا این شرط یک شرط مقارن است.

اما طبق احتمال دوم شرط یک شرط متأخر است. زیرا زمانی که مکلف می خواهد نماز را شروع کند، هنوز عصیان نسبت به ازاله تحقق پیدا نکرده است. زیرا زمانی باید بگذرد تا عصیان محقق شود. مثلاً کسی بعد از زلزله که نماز آیات وجوب فوری دارد، آن را نخواند. آیا به محض این که زلزله شد می توانیم بگوییم: «عصی هذا المكلف»؟ خیر، بلکه باید به اندازه یک نماز آیات بگذرد و مکلف نماز نخوانده باشد تا عصیان خارجاً محقق شود. پس عصیان زمانی محقق می شود که وقت لازم برای ادای تکلیف بگذرد و هنوز به امر عمل نشده باشد. پس اگر گفته می شود خود عصیان، خود مخالفت خارجی شرط وجوب نماز است، چاره ای نیست

جز این که این شرط را به نحو شرط متأخر تصویر کنیم و بگوییم الان که مکلف قصد خواندن نماز را دارد، وجوب هست منتهی مشروط به شرطی است که بعداً حاصل می شود.

سوال

پاسخ: به کسی که بنائش بر این است که آن زمان عمل را انجام ندهد و هنوز زمان عمل هم نگذشته نمی توانیم بگوییم عاصی. فوقش بگوییم او متجری است.

سوال:

پاسخ: چه زمانی امر متوجه این شخص می شود؟ قائل به ترتب می خواهد برای کسی که مخالفت با ازاله می کند و نماز می خواند امر به نماز درست کند. این امر از این زمان گریبان او را می گیرد، مهم این است که امر برای نماز درست کند و این امر کی گریبان او را می گیرد؟ می گوید: این امر به نماز وجوب نماز را برای او ثابت می کند، همان اول همان آنی که امر به ازاله دارد امر به نماز نیز می باشد، ولی امر به نماز مشروط به عصیان است، می خواهد بگوید اول کار امر متوجه او می شود بله چند دقیقه که بگذرد شرط هم محقق می شود. پس شرط همیشه متأخر است، این که خارجاً کدام را انجام بدهد و تأخیر بیندازد تأثیری در بحث ندارد

سوال:

پاسخ: شما هر واجب فوری را اگر به فوریت انجام ندهی در آن اول معصیت است ولی در آن های بعدی این وجوب ادامه دارد. آن زمانی که مکلف کاری به واجب اهم ندارد، آن واجب اهم به قوت خود باقی است. این زمانی که بیان شد برای این است که وجوب نماز را به عنوان شرط متأخر ثابت کند. اینجا دو امر داریم بعد از عصیان نسبت به امر اهم، امر به اهم هم چنان به قوت خودش باقی است.

قائل به ترتب می گوید امر به نماز در صورتی متوجه مکلف می شود که عصیان تحقق پیدا کند. یعنی با آن امر اولی مخالفت کند، امر دومی زمانی مستقر می شود که با امر اول مخالفت کند. چه زمانی می توانیم بگوییم «انه عصى بالنسبه الی الامر الاول» زمانی که برای ازاله نیاز دارد بگذرد ولی نه این که امر الان نیست، می گوید: این امر الان وجود دارد ولی شرطش عصیان است که بعداً می آید کانه مثل یک واجب مشروط به شرط متأخر است که الان وجوب وجود دارد. این تصویری است که قائل به ترتب در این مقام ارائه می دهد.

بحث جلسه آینده

اشکالات محقق خراسانی به مسئله ترتب.

«والحمد لله رب العالمین»